

Capacities of the Islamic Republic of Iran's Judiciary in Supporting the Victims of International Humanitarian Law Violations in the Yemen War

Received: 26/02/2022; Accepted: 01/06/2022

Mostafa Fazaeli¹

Mahnaz Rashidi²

Abstract

The legal-political system of the Islamic Republic of Iran, which is based on the convergence of the Muslims in the world as a single nation (*ummah*) and is required by the Constitution to base its general policy on the coalition and unity of Islamic nations, is seeking to defend rights of all Muslims and support the rightful struggle of the oppressed against the arrogant everywhere in the world. The judiciary, as one of the high sovereign bodies in this system, is committed to observe these principles and general policies. This important issue has been appropriately emphasized in the Judicial Transformation Document announced in 2021 as legal support for the Resistance Front. Therefore, given the military intervention of the Saudi-led Arab states in Yemen and the violation of the rights of the Yemeni people as a result of ignoring the rules of human rights and humanitarian law, the main question that the present study, through a descriptive-analytic method, seeks to answer is that how can the judiciary of the Islamic Republic of Iran play a role in supporting the Muslims of this country? The result is that the gross violations of human rights and humanitarian law in Yemen are clear examples of war crimes regarding which the acceptance of the principle of universal jurisdiction in the Islamic Penal Code has enabled the judiciary with the capacity to prosecute the perpetrators of these crimes. However, the use of this capacity requires the amendment and enactment of domestic law as well as the use of structural facilities in the judiciary.

Key words: Yemen War, Humanitarian Law, Supporting the World's Oppressed, The Judiciary.



1 Associate Professor, Department of International Law, Faculty of Law, University of Qom.
2 Assistant Professor, Department of International Law, Faculty of Law, Islamic Azad University, Central Tehran Branch (Corresponding Author); Email: Mahnazrashidi88@gmail.com.

ظرفیت‌های قوه قضائیه جمهوری اسلامی ایران در حمایت از قربانیان نقض حقوق بین الملل بشردوستانه در جنگ یمن

مصطفی فضائلی^۱

تاریخ دریافت ۱۴۰۰/۱۲/۱۷ - تاریخ پذیرش ۱۴۰۱/۰۳/۱۱ مهناز رشیدی^۲

چکیده

نظام حقوقی- سیاسی جمهوری اسلامی ایران که بر مبنای تلقی همگرایی مسلمانان جهان در قالب یک امت واحد شکل گرفته و به حکم قانون اساسی موظف شده است سیاست کلی خود را بر پایه ائتلاف و اتحاد ملل اسلامی قرار دهد، در عرصه سیاست خارجی، در پی دفاع از حقوق همه مسلمانان و حمایت از مبارزه حق- طلبانه مستضعفین در برابر مستکبرین در هر نقطه از جهان می‌باشد. قوه قضائیه نیز به عنوان یکی از ارکان عالی حاکمیتی در این نظام، متعهد به رعایت این اصول و سیاست‌های کلی است. این مهم، به نحو شایسته‌ای در سند تحول قضایی ابلاغی در سال ۱۳۹۹ نیز به عنوان حمایت حقوقی از جبهه مقاومت مورد تأکید قرار گرفته است. از این‌رو، با توجه به مداخله نظامی دولت‌های عربی تحت رهبری عربستان به کشور یمن و نقض حقوق مردم این کشور در اثر نادیده انگاشتن قواعد حقوق بشر و بشردوستانه، سؤال اساسی که پژوهش حاضر با استفاده از روش توصیفی- تحلیلی در پی پاسخگویی به آن برآمده این است که قوه قضائیه جمهوری اسلامی ایران چگونه می‌تواند در حمایت از مسلمانان این کشور به ایفای نقش بپردازد؟ نتیجه حاصل آن است که نقض فاحش قواعد حقوق بشر و بشردوستانه در کشور یمن، مصداق بارزی از جرایم جنگی است که پذیرش اصل صلاحیت جهانی در قانون مجازات اسلامی، قوه قضائیه را از ظرفیت محاکمه عاملان و آمران این جنایات برخوردار کرده است. با وجود این، استفاده از این ظرفیت مستلزم اصلاح و تصویب قوانین داخلی و نیز بهره‌گیری از امکانات ساختاری در قوه قضائیه است.

واژگان کلیدی: جنگ یمن، حقوق بشردوستانه، حمایت از مستضعفان جهان، قوه قضائیه.

۱. دانشیار گروه حقوق بین الملل، دانشکده حقوق، دانشگاه قم.

۲. استادیار گروه حقوق بین الملل، دانشکده حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز (نویسنده مسئول)؛

رایانامه: mahnazrashidi88@gmail.com





مقدمه

یمن کشوری عربی در جنوب شبه جزیره عربستان، واقع در منطقه غرب آسیاست که زمانی به لحاظ آبادانی و خرمی به عربستان خوشبخت معروف بود (One World Nations Online, n.d). بخش عمده ترکیب جمعیتی یمن را مسلمانان تشکیل می‌دهند که ۴۵ درصد شیعیان، شامل ۳۵ درصد شیعه زیدی، ۵ درصد شیعه دوازده امامی و ۵ درصد شیعه اسماعیلی هستند و ۵۵ درصد جمعیت سنی نیز عموماً از مذهب شافعی می‌باشند (میراحمدی و احمدوند، ۱۳۹۴: ۱۴۶). سرنوشت سیاسی یمن نیز همانند سایر کشورهای عربی منطقه خاورمیانه تاریخ پر فراز و نشیبی داشته است. رقابت سیاسی مصر و عربستان در این منطقه در دهه ۶۰ میلادی آتش جنگ داخلی یمن را روشن ساخت ولی از دهه ۷۰ میلادی، عربستان در شکل دهی به ساختار سیاسی یمن نقش قابل توجهی داشته است و با برنامه‌ریزی و اجرای کودتاهای نظامی توانست حکومت علی عبدالله صالح را بر یمن مستقر نماید (فضائلی، ۱۳۹۵: ۴۴-۴۶). شرایط دشوار سیاسی-اقتصادی و اجتماعی پدید آمده در دوران ریاست جمهوری علی عبدالله صالح، منجر به آغاز انقلاب مردمی یمن در سال ۲۰۱۱ شد و علی عبدالله صالح با بیش از سی سال حکومت، در همان سال مجبور به کناره‌گیری از قدرت و فرار به عربستان شد. پس از متواری شدن وی، شورای همکاری خلیج فارس به عنوان نهاد میانجی‌گر در منطقه اعراب، اعلام کرد که منصور هادی، معاون رئیس جمهور سابق به مدت دو سال (۲۰۱۴-۲۰۱۲) به عنوان رئیس جمهور انتقالی یمن بر سر کار آید تا پس از آن در سال ۲۰۱۵، انتخابات ریاست جمهوری در یمن برگزار شود. اما در سال ۲۰۱۵ منصور هادی از مسند ریاست جمهوری کناره‌رفت و همین عامل به همراه افزایش فشارها بر مردم به ویژه شیعیان الحوثی منجر به تشدید سطح و دامنه اعتراضات شد تا جایی که حوثی‌ها در پایتخت، کاخ ریاست جمهوری را به محاصره خود درآوردند.





منصور هادی نیز پس از قرار گرفتن در حصر خانگی از یمن به سوی عمان گریخت و در آنجا از عربستان برای بازگشت به قدرت تقاضای کمک کرد و عربستان نیز که حفظ سلطه بر یمن را به نفع خود می‌دید، در قالب ائتلافی از کشورهای عربی شامل امارات متحده عربی، قطر، کویت، بحرین و به همراه مراکش، اردن، مصر و سودان حمله نظامی به یمن را آغاز کرد (جعفری، ۱۳۹۸: ۵۹۴، Robinson, 2022).

اگرچه نفس حمله عربستان از منظر حقوق توسل به زور، غیرقانونی پنداشته می‌شود؛ زیرا منصور هادی پیش از حمله سعودی‌ها به یمن استعفا داده بود و دولت قانونی یمن شناخته نمی‌شد تا بتواند از عربستان برای آرام کردن اوضاع داخلی یمن، دعوت به مداخله نماید؛^۱ اما این پژوهش درصدد بررسی موضوع از حیث میزان التزام عربستان و کشورهای تحت رهبری او به قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه در جریان جنگ یمن و بررسی نمونه‌های مهم نقض این قواعد و مقررات است. هدف دیگر و مهم‌تر این نوشتار آن است که به فرض اثبات نقض حقوق مردم مسلمان یمن، به بررسی نقش و ظرفیت قوه قضائیه جمهوری اسلامی ایران در حمایت از آنها پردازد، که با بهره‌گیری از داده‌های کتابخانه‌ای و به روش توصیفی تحلیلی در نیل به این اهداف کوشش به عمل می‌آید.

به این منظور ساختار مقاله از سه قسمت تشکیل می‌شود که به مقتضای ترتیب منطقی مباحث، نخست به بررسی و تبیین تعهدات طرفین مخاصمه مسلحانه در یمن به موجب حقوق بین‌الملل بشردوستانه پرداخته و در قسمت دوم، موارد نقض این تعهدات به بحث و بررسی گذاشته و آن‌گاه ظرفیت و نقش قوه قضائیه جمهوری اسلامی ایران در حمایت از قربانیان نقض‌های یادشده واکاوی می‌شود.

۱. الزام قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه نسبت به طرفین مخاصمه در جنگ یمن

حقوق بین‌الملل بشردوستانه، مجموعه قواعد و مقررات حقوقی بین‌المللی است که ناظر بر چگونگی رفتار طرفین در حین مخاصمه مسلحانه بوده و هدف آن کاهش آلام انسان‌ها



۱. برای مطالعه بیشتر در این باره نک. (فضائلی، ۱۳۹۵: ۴۱-۷۰).



و محدود کردن آثار سوء ناشی از جنگ است (کمیته ملی حقوق بشردوستانه، ۱۳۸۵: ۳). اگرچه در تفکیکی سنتی، مخاصمات مسلحانه، به دو دسته مخاصمات مسلحانه بین‌المللی (تحت قواعد کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو ۱۹۴۹ و پروتکل اول الحاقی به آن (۱۹۷۷)^۱ و مخاصمات مسلحانه غیربین‌المللی (موضوع ماده ۳ مشترک کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو ۱۹۴۹ و پروتکل دوم الحاقی به آن (۱۹۷۷)^۲ تقسیم می‌شوند اما پیچیده‌تر شدن روابط بین‌المللی منجر به بروز اشکال جدیدی از مخاصمات مانند مخاصمه مسلحانه بین‌المللی شده گشته است به گونه‌ای که برخی درگیری‌های مسلحانه که در مرحله نخست به شکل غیربین‌المللی در درون یک کشور میان دولت مرکزی و برخی گروه‌های معارض مسلح غیردولتی یا میان این نوع گروه‌ها با یکدیگر جریان یافته است، در گذر زمان به واسطه مداخله نظامی قدرت‌های خارجی به مخاصمه مسلحانه بین‌المللی تبدیل می‌گردد؛ وضعیتی که در حال حاضر می‌توان در مخاصمه مسلحانه جاری در یمن مشاهده کرد.

گفتنی است شناخت نوع مخاصمه در تعیین حقوق و تعهدات هر یک از طرفین درگیری تأثیر بسزایی دارد. به منظور تشخیص نوع مخاصمه جاری در یمن، نخست ضروری است طرف‌های آن مشخص شوند. با وجود آن که جنگ یمن عرصه تقابل بازیگران مختلفی است که حتی در برهه‌های زمانی مختلف نقش و جایگاه آن‌ها بارها تغییر می‌کند اما در شرایط کنونی، براساس واقعیت‌های موجود، طرف‌های عمده مخاصمه یمن عبارتند از:

1 For more information, see: Convention (I) for the Amelioration of the Condition of the Wounded and Sick in Armed Forces in the Field. Geneva, 12 August 1949; Convention (II) for the Amelioration of the Condition of Wounded, Sick and Shipwrecked Members of Armed Forces at Sea. Geneva, 12 August 1949; Convention (III) relative to the Treatment of Prisoners of War. Geneva, 12 August 1949; Convention (IV) relative to the Protection of Civilian Persons in Time of War. Geneva, 12 August 1949; Protocol Additional to the Geneva Conventions of 12 August 1949, and relating to the Protection of Victims of International Armed Conflicts (Protocol I), 8 June 1977.

2. For more information, see: Geneva Conventions (I), (II), (III) and (IV), op. cit, Art. 3; Protocol Additional to the Geneva Conventions of 12 August 1949, and relating to the Protection of Victims of Non-International Armed Conflicts (Protocol II), 8 June 1977.





۱. جنبش انصارالله یمن، جریانی برآمده از شیعیان زیدی یمن هستند که، طبق برخی آمارها، شمار آنها بین ۴۵ تا ۵۵ درصد جمعیت یمن را تشکیل می‌دهند^۱ و به دلیل تأثیرپذیری آن‌ها از اندیشه‌های حسین بدرالدین الحوثی^۲، به حوثی‌ها نیز معروفند. این گروه از سال ۲۰۱۴، کنترل شهر صنعا را در دست گرفتند و حکومت و کنترل بر بخش مهمی از بنادر غربی یمن، نهادهای حاکمیتی و ارتش یمن به طور عمده در اختیار آن-هاست و هم اکنون بخش مهمی از جمعیت یمن را نمایندگی می‌کنند. جنبش انصارالله به دنبال استعفای رئیس جمهور یمن و انحلال پارلمان این کشور در سال ۲۰۱۵ میلادی مسئولیت دولت انتقالی را برعهده گرفت که به دنبال آن، عربستان سعودی با ادعای نامشروع دانستن حاکمیت سیاسی انصارالله، خطر آن برای عربستان و به منظور حمایت از بازگشت منصور هادی به قدرت، به یمن حمله کرد که ضمن کشته و زخمی شدن هزاران نفر بسیاری از زیرساخت‌های این کشور از بین رفت. گفتنی است برخی از هواداران علی عبدالله صالح نیز در کنار این جنبش به مبارزه می‌پردازند.

۱ طبق برخی آمارهای نقل شده، جمعیت شیعیان زیدیه بین ۴۵ تا ۵۵ درصد، شیعیان دوازده امامی حدود ۶ درصد، پیروان مذهب شافعی حدود ۳۰ درصد و حنبلی‌ها حدود ۱۰ درصد، یهودیان و مسیحیان نیم درصد و پیروان سایر مذاهب هم حدود ۳ درصد جمعیت یمن را تشکیل می‌دهند. البته در باره ترکیب مذهبی جمعیت یمن آمار دقیقی در دسترس نیست و در پایگاه‌های خبری و اظهار نظرهای مختلف آمار متفاوتی نقل می‌شود. در برخی از آنها شیعیان زیدی حدود ۳۰ درصد و شیعیان اسماعیلی و شیعیان دوازده امامی هم درصدی کمی را تشکیل داده و مابقی اهل سنت شافعی هستند. نک. <http://shiraze.ir/fa/news/67910>، بازیابی: ۱۴۰۰/۰۷/۳۰.

۲. حسین بدرالدین الحوثی، رهبر سیاسی، مذهبی و نظامی شیعیان زیدی در یمن است که در سال‌های ۱۹۹۳-۱۹۹۷ عضو پارلمان یمن و نماینده حزب الحق بوده است. پس از بازده سپتامبر و حمله آمریکا به افغانستان، حسین الحوثی به صورت گسترده رویکرد ضد آمریکایی در پیش گرفت و در سال ۲۰۰۳ پس از حمله آمریکا به عراق، نیروهای طرفدار وی مقابل سفارت آمریکا در یمن تجمع کردند که این تجمع به درگیری با نیروهای امنیتی و پلیس انجامید. پس از این درگیری‌ها دولت یمن، اعلان جنگ علیه حوثی‌ها کرد و در سال ۲۰۰۴ دولت یمن توانست با محاصره صعده و استفاده از انواع سلاح‌های سنگین، وی و همراهانش را به شهادت برساند. (ویکی شیعه، «حسین بدرالدین الحوثی»، ۱۴۰۰: <https://b2n.ir/wkikishia>).





۲. در سوی دیگر، هواداران منصور هادی هستند که با پیوستن به نیروهای خارجی ائتلاف به رهبری عربستان با انصارالله یمن وارد جنگ شده‌اند (شارق و محمدی مطلق، ۱۳۹۵: ۱۷۵-۱۷۶).

بر این اساس، در مجموع یک سوی مخاصمه کنونی در یمن، انصارالله و سوی دیگر عربستان و کشورهای همراه آن به انضمام طرفداران منصور هادی هستند.

در اینکه مخاصمه یمن در بادی امر، مخاصمه‌ای غیربین‌المللی پنداشته می‌شد تردیدی وجود ندارد. زیرا مطابق با ماده (۱) پروتکل دوم الحاقی به کنوانسیون‌های ژنو ۱۹۴۹ و رأی تجدید نظر در قضیه تادیچ در دیوان بین‌المللی یوگسلاوی سابق (مورخ ۲ اکتبر ۱۹۹۵)، شرایط غیربین‌المللی بودن مخاصمه از جمله درگیری در قلمروی یک کشور میان نیروهای دولتی و گروه‌های مسلح مخالف، کنترل معترضان بر بخشی از سرزمین، فرماندهی واحد، طولانی مدت بودن درگیری و... قابل احراز است (ICTY, 1995: Protocol II 1977: 1; 70). حال آن که، نخست باید به این پرسش پاسخ گفت که ورود عربستان و کشورهای همراه چه تأثیری بر نوع مخاصمه در یمن برجای گذاشته است؟

توضیح آن که در صورتی که عربستان به دعوت دولت رسمی و قانونی یمن در جنگ داخلی این دولت با معترضان حضور یافته باشد، اثری بر نوع مخاصمه باقی نمی‌گذارد اما اگر حضور عربستان در این وادی، بدون دعوت و در پی حمایت یکی از طرفین جنگ داخلی نباشد، نوع مخاصمه تغییر می‌یابد. چنان که اشاره شد، رئیس جمهور وقت، منصور هادی در ژانویه ۲۰۱۵ یعنی، چند ماه پیش از حمله عربستان به یمن استعفای خود را اعلام کرد (Reuters, 2015). بنابراین، دعوت کشور عربستان از سوی دولت قانونی، در عمل منتفی است و حضور آن در مناقشه داخلی یمن، از منظر حقوق توسل به زور قابل توجیه نبوده و مصداقی از تجاوز است. زیرا توسل به زور در حقوق بین‌الملل به موجب بند (۴) ماده (۲) منشور ممنوع تلقی می‌شود مگر در دو حالت استثنائی: ۱. دفاع مشروع مندرج در ماده (۵۱) منشور و ۲. نظام امنیت دسته جمعی مندرج در ماده (۴۲) منشور (UN Charter Arts. 2(4), 51, 42, 1945). با وجود این، اگر دولتی به حضور نیروهای نظامی دولتی دیگر در سرزمینش رضایت دهد، وصف متخلفانه آن مداخله نظامی، مرتفع می‌شود (See:





ILC, 2001: Art. 20) و عمل دولت مداخله‌کننده، تجاوز نخواهد بود. ولی رضایت زمانی معتبر می‌باشد و وصف متخلفانه فعل را مرتفع می‌سازد که معتبر باشد. از جمله دلایل اعتبار رضایت آن است که توسط مقامات صلاحیت‌دار اعلام شود (ILC, 2001: Art.20, cmt. 4). از آنجا که در زمان حمله نظامی ائتلاف سعودی در عربستان، منصور هادی به واسطه قیام و انقلاب مردم از سمت خود استعفا داده و متواری شده بود، بنابراین نمی‌توان وی را مقام صلاحیت‌دار برای ابراز رضایت به حضور نظامی عربستان در یمن تلقی نمود (فضائلی، ۱۳۹۵: ۶۱) و از این رو، مداخله نظامی صورت گرفته مصداقی از توسل به زور غیرقانونی و تجاوز است.^۱ در عرصه بین‌المللی علاوه بر دو شکل سنتی مخاصمه، یعنی مخاصمه مسلحانه بین‌المللی و مخاصمه مسلحانه غیربین‌المللی، شکل دیگری از مخاصمه نیز متصور است. به طوری که گاهی مخاصمه مسلحانه داخلی قابلیت این را دارد که با دخالت دولت‌های خارجی، به مخاصمه مسلحانه بین‌المللی تغییر شکل دهد (ضیایی بیگدلی، ۱۳۹۲: ۵۲). به این نوع مخاصمه، مخاصمه مسلحانه داخلی بین‌المللی شده گفته می‌شود. بنابراین زمانی که مخاصمه‌ای در آن واحد، واجد دو جنبه داخلی و بین‌المللی باشد، آن‌ها را «مخاصمه مسلحانه مختلط»^۲ یا «مخاصمه مسلحانه داخلی بین‌المللی شده»^۳ می‌نامند (ممتاز و رنجبریان، ۱۳۸۷: ۱۱۱). در این مخاصمات، طرفین درگیر مشخص نیستند؛ با این اوصاف، به نظر می‌رسد نوع مخاصمه یمن، مخاصمه داخلی بین‌المللی شده است (شارق و محمدی مطلق، ۱۳۹۵: ۱۸۱-۱۸۰).

از آنجا که یک سوی مخاصمه، جنبش انصارالله قرار دارد که به نظر می‌رسد در شرایط کنونی، با کنترل ارتش و نهادهای حاکمیتی مانند پارلمان و قوه مجریه، قدرت برتر را در این کشور تحت اختیار دارد و در سوی دیگر، گروه‌های داخلی معارض و طرفدار رئیس‌جمهور مستعفی قرار دارند که تحت حمایت نیروهای خارجی تحت رهبری عربستان نیز هستند، این مخاصمه ماهیتی بین‌المللی شده یافته است. در خصوص قواعد حاکم بر این



۱. برای مطالعه بیشتر در این زمینه ر.ک. (فضائلی، ۱۳۹۵: ۴۱-۷۰).

2. Hybrid armed conflict, Hybrid warfare

3. Internationalized armed conflict



مخاصمات، ضمن این که اصل بر اعمال قواعد حقوق بشردوستانه ناظر بر مشخصات مسلحانه غیربین‌المللی میان نیروهای انصارالله و مخالفان داخلی است، اما در رابطه با انصارالله و کشورهای مداخله‌گر نیز مقررات حقوق بشردوستانه در زمینه مشخصات مسلحانه بین‌المللی جاری است (شارق و محمدی مطلق، ۱۳۹۵: ۱۸۵-۱۸۲؛ ضیائی بیگدلی، ۱۳۹۲: ۵۲).

با توجه به اینکه کشور یمن و اغلب کشورهای خارجی حاضر در جنگ یمن، از جمله عربستان، قطر و امارات، به کنوانسیون‌های ژنو ۱۹۴۹، پیوسته‌اند، مکلف به رعایت قواعد و مقررات مندرج در این اسناد به ویژه کنوانسیون چهارم در حمایت از اشخاص غیرنظامی هستند. علاوه بر این، عمده قواعد مندرج در اسناد ژنو، تدوین عرف بین‌المللی بوده و یا به هنجارهای عرفی بدل شده (Meron, 1987: 349-350) و از این باب نیز بر طرفین مشخصه الزام آور هستند. افزون بر این، کشور یمن به عضویت پروتکل دوم ۱۹۷۷ الحاقی به کنوانسیون‌های ژنو ۱۹۴۹ در زمینه حمایت از قربانیان مشخصات مسلحانه غیر بین‌المللی نیز درآمده است (UNTS, n.d). با وجود این، نیروهای غیردولتی درگیر در جنگ یمن صرفاً از باب عرفی بودن قواعد مندرج در این سند، ملتزم خواهند بود. زیرا تعهدات ناشی از این پروتکل به عنوان تعهدات معاهداتی، تنها دولت‌های عضو را متعهد ساخته است. بنابراین، همه طرف‌های درگیر در مشخصه مسلحانه یمن مکلف به رعایت قواعد و مقررات حقوق بین‌الملل بشردوستانه‌ی ژنو یا مفاد اغلب آن قواعد به ویژه در باره حمایت از غیرنظامیان و اهداف غیرنظامی به عنوان حقوق بین‌الملل عرفی هستند (Meron, 1987: 349-350).

۲. موارد نقض قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه در جنگ یمن توسط عربستان

جنگ شش ساله یمن، با وارد کردن تلفات سنگین بر غیرنظامیان، این کشور را به صحنه بزرگ‌ترین بحران انسانی در جهان بدل ساخته است (International Rescue Committee, 2022). برخوردهای خشونت‌بار، حملات هوایی مستمر به اماکن غیرنظامی و زیرساخت‌های شهری، جنگ داخلی بی‌پایان، همراه با ۲۰ میلیون انسان نیازمند کمک و حمایت، ۱۱۱ هزار کشته و حدود ۴,۲ میلیون آواره داخلی و ویژگی بارز جنگ یمن است





(Council on Foreign Relations, 2022). به گزارش کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، در جریان درگیری‌های یمن بیش از ۲۵۰۰ مدرسه آسیب دیده یا تخریب شده‌اند، ۷۰ درصد جمعیت به آب شیرین دسترسی ندارند، بیش از ۵۰ درصد جمعیت فاقد تجهیزات بهداشتی و سلامتی هستند و بیش از ۸۰ درصد جمعیت این کشور برای ادامه زندگی به کمک بشردوستانه محتاجند (ICRC, 2019). آمارها، تعداد آوارگان جنگ یمن را بیش از ۴ میلیون نفر تخمین زده‌اند (Danish Refugee Council, 2021). بررسی‌های سازمان ملل حکایت از آن دارد که ۱۳۱۰۰۰ نفر از ۲۳۰۰۰۰ کشته این جنگ در نتیجه آثار غیرمستقیم محاصره مانند ناامنی غذایی و عدم دسترسی به امکانات بهداشتی جان خود را از دست داده‌اند (UN NEWS, 2021). به گونه‌ای که مطابق گزارش صندوق حمایت از کودکان، مرگ تعداد ۸۵ هزار کودک زیر ۵ سال در اثر سوء تغذیه شدید در سال‌های ۲۰۱۵ تا ۲۰۱۸ اتفاق افتاده است (The Lawyer Portal, 2020). در سال ۲۰۱۸، از هر ۵ آسیب‌دیده جنگ، یک نفر، کودک بوده که این آمار در سال‌های ۲۰۱۹ و ۲۰۲۰ افزایش یافته و از هر ۴ آسیب‌دیده، یک نفر کودک است (Relief Web, 2021).

گسترده بودن قواعد حقوق بشردوستانه مانع از تحلیل کلیه مقررات نقض شده در جنگ یمن است اما نظر به اینکه قواعد حقوق بشردوستانه بر مبنای اصولی پایه‌ریزی شده است، در این بخش، به تجزیه و تحلیل مطابقت رفتار کشورهای عربی عضو ائتلاف با آن اصول پرداخته خواهد شد. بدیهی است در شرایطی که برخی طرف‌های درگیر نسبت به این اصول اساسی پای‌بندی نشان ندهند، به طریق اولی نسبت به رعایت سایر مقررات حقوق بین‌الملل بشردوستانه نیز اهمیتی نخواهند داشت.

۲-۱. اصل تفکیک

اصل تفکیک مبین آن است که طرفین محاصره مسلحانه باید میان اشخاص غیرنظامی و رزمندگان و نیز میان اموال نظامی و غیرنظامی تمایز قائل شوند (Protocol I, 1977: Art. 48) و بر این اساس، حملات نظامی باید صرفاً علیه اشخاص و اموال نظامی صورت گیرند. بر مبنای این اصل که از ماهیتی عرفی برخوردار است (IHL Database Customary Rule.1, IHL, n.d: Rule.1)، اماکن غیرنظامی مانند بیمارستان‌ها، مدارس، مناطق مسکونی نمی-





توانند به طور مستقیم هدف حمله قرار گیرند، مگر زمانی که برای اهداف نظامی استفاده شوند (Protocol I 1977: Arts. 52-53; Protocol II, 1977: Art. 14). یعنی کاربری آنها از استفاده غیرنظامی به استفاده نظامی تغییر یابد. به این ترتیب، اجرای عملیات نظامی کورکورانه و بدون تبعیض، غیرقانونی تلقی می‌شود (Protocol I, 1977: Art. 51). استفاده از روش‌های جنگی که بر اموال مورد نیاز برای بقای جمعیت غیرنظامی آسیب می‌زند، مانند مواد غذایی، زمین‌های کشاورزی، محصولات کشاورزی و دامی و تأسیسات و ذخایر آب آشامیدنی ممنوع است (Protocol I, 1977: Art. 54; Protocol II, 1977: Art. 14). همچنین گرفتن گروگان از اشخاص غیرنظامی یا استفاده از آنها به عنوان سپر انسانی در زمره روش‌های ممنوع در جنگ‌ها به شمار می‌آید (Geneva Convention (IV), 1949: Arts. 3, 28 & 34; Protocol I, 1977: Arts. 12, 51, 52, 54, 75; Protocol II, 1977: Arts. 4, 11, 13 and 14).

این درحالی است که اخبار و گزارش‌های متعددی از نهادهای بین‌المللی غیردولتی و نیز نهادهای تحت نظر سازمان ملل متحد، از حملات هوایی ائتلاف سعودی نسبت به اموال و اشخاص غیرنظامی اعم از ساختمان‌های مسکونی، هتل‌های غیرنظامی، بیمارستان‌ها، وسایل نقلیه غیرنظامیان، ساختمان‌های دولتی، مدارس، مغازه‌ها و... حکایت می‌کند.^۱ با توجه به اینکه دلایل معقولی مبنی بر مشارکت غیرنظامیان تحت حمله در مخاصمات مسلحانه یا استفاده از اماکن و اموال غیرنظامی برای اهداف نظامی از سوی عربستان ارائه نشده است، ادعای عربستان مبنی بر هدف قرار دادن اموال و اشخاص نظامی از وجاهت لازم برخوردار نیست و استفاده از سلاح‌های دقیق و موشک‌های نقطه زن حاکی از قصد عربستان مبنی بر هدف قرار دادن عامدانه غیرنظامیان است (Qureshi, 2020: 259).

بررسی تفصیلی ابعاد نقض این اصل اساسی حقوق بین‌الملل بشردوستانه در جنگ یمن، خود پژوهش مستقلی را می‌طلبد و در این مجال تنها به همین میزان می‌توان بسنده کرد که اصل یادشده به کرات نادیده گرفته شده به گونه‌ای که می‌توان گفت از سوی ائتلاف

1. See: U.N. Sec. Council, Final Rep. of the Panel of Experts on Yemen, 40-137, U.N. Doc. S/2016/73 (Jan. 26, 2016); See also U.N. Sec. Council, Final Rep. of the Panel of Experts on Yemen, 31-120; U.N. Doc. S/2018/193 (Jan. 31, 2017)





سعودی، در سکوت جامعه بین‌المللی، تبدیل به رویه فاجعه‌باری شده است (for more information about effects of Yemen war on civilians, see: Oxfam (International, 2022

۲-۲. اصل تناسب

اصل تناسب در حقوق بشردوستانه متضمن آن است که ضرر و زیان ناشی از یک عملیات نظامی نباید بیش از دستاوردهای نظامی آن باشد. این اصل مانع از اجرای عملیاتی می‌شود که انتظار می‌رود به طور اتفاقی، آسیب زیادی به اموال و اشخاص غیرنظامی وارد آورد که از منافع مشخص و مستقیم پیش‌بینی شده بسیار بیشتر خواهد بود (Protocol I, Art. 51 (5)(b): 1977). هرچند ارزیابی نسبت سود و زیان ناشی از یک عملیات، امری کاملاً نسبی است و باید بنا بر هر مورد سنجیده شود اما در اینجا، نظر فرمانده عملیات نقشی اساسی ایفا می‌کند. این درحالی است که بر اساس گزارش سازمان ملل، نیروهای تحت ائتلاف با حملات هوایی به شهرهای صنعا، تعز، حجه، حدیده و صعده باعث کشته و زخمی شدن هزاران غیرنظامی شده‌اند.^۱ حتی به گزارش عفو بین‌الملل حملات به اماکن و اشخاص نظامی نیز اغلب کورکورانه و غیرمتناسب هستند و مردم عادی از جمله دسته‌جات عزاداری، بازارها، مدارس و... را نشانه می‌گیرند (Amnesty International, n.d؛ حشمت، ۱۳۹۷: ۷۰-۷۲). گزارش کمیساریای عالی حقوق بشر به شورای حقوق بشر سازمان ملل نیز به مواردی از حملات نامتناسب ائتلاف سعودی در مناطق الصوامع، الحجه و مصطبی اشاره می‌کند (Human Rights Council, 2020: 22).

۲-۳. اصل ضرورت

اصل ضرورت در طول مخاصمات مسلحانه اقداماتی را مجاز می‌دارد که واقعاً برای دستیابی به یک هدف نظامی مشروع ضرورت داشته باشد و با استفاده از دیگر قوانین حقوق بین‌الملل منع نشده باشد. در حقوق بین‌الملل بشردوستانه تنها هدف نظامی مشروع ضروری، انجام اقداماتی برای تضعیف قوای نظامی طرف مقابل است (ICRC (1), n.d). اصل ضرورت نظامی از برخی قواعد کنوانسیون‌های ژنو ۱۹۴۹ و پروتکل‌های الحاقی به



۱. به نقل از (حشمت، ۱۳۹۷: ۷۰-۷۱).



طور ضمنی قابل فهم است. برای مثال، علی‌رغم آنکه در ماده (۵۴) پروتکل اول، حمایت از اموال ضروری برای بقای سکنه غیرنظامی مقرر شده است، در بند (۵) طرفین مخاصمه می‌توانند هر گاه ضرورت نظامی ایجاب نماید از مقررات این ماده عدول نمایند. همچنین قسمت الف بند (۲) ماده (۵۶)، ممنوعیت حمله به سدها و یا آب‌بندها را در صورتی که چنین حمله‌ای تنها راه پایان دادن به پشتیبانی آنها از عملیات نظامی باشد، مرتفع نموده است (Protocol I 1977: Arts. 54 (5); 56(2)(a)). چنان‌که اشاره شد عربستان تاکنون برای اقداماتش در حمله به اشخاص و اماکن غیرنظامی دلایل و مستندات مبنی بر وقوع ضرورت نظامی ارائه نداده است. حتی برخی از گزارش‌ها حاکی از آن است که بسیاری از کشته شدگان در مناطق نزدیک به اماکن نظامی حضور نداشته‌اند (ICRC (2), n.d).

۲-۴. اصل احتیاط

اصل احتیاط تعهد متخاصمین مبنی بر حمایت مستمر از اموال، اشخاص و اماکن غیرنظامی را مقرر می‌دارد و طرفین مخاصمه باید تضمین نمایند که همواره به اهداف نظامی حمله می‌کنند و زمانی که احتمال رود، حملات مورد نظر می‌توانند آسیبی که ضرورت نظامی به هیچ طریقی آن را توجیه نمی‌کند به اشخاص و اماکن و اموال غیرنظامی وارد کنند، آن حملات را متوقف نمایند. حتی زمانی که ضرورت نظامی آسیب به اموال و اشخاص غیرنظامی را اجتناب‌ناپذیر می‌سازد، باید شیوه‌ها و ابزار جنگ به نوعی انتخاب شوند که آسیب به غیرنظامیان به کمترین حد ممکن برسد (Protocol I 1977: Arts. 57-58). در حالی که اقدامات ائتلاف سعودی در اجرای عملیات نظامی کورکورانه که در اثر آن‌ها تعداد زیادی از غیرنظامیان به ویژه کودکان مجروح و کشته شده‌اند، نشان‌دهنده آن است که کشورهای حمله‌کننده، به این اصل پایبندی چندانی ندارند.

۲-۵. اصل ممنوعیت ایراد درد و رنج غیر ضروری

بخش مهمی از قواعد حقوق بشردوستانه به محدود کردن اختیار طرفین مخاصمه در به کارگیری سلاح‌ها و ابزارهای جنگی اختصاص دارد و در قواعد عرفی و معاهداتی حقوق بشردوستانه و نیز رویه قضایی بین‌المللی استفاده از سلاح‌هایی که باعث درد و رنج غیرضروری شود ممنوع گردیده است. ماده (۱-۳۵) پروتکل اول بر این نکته تأکید دارد





که در هر مخاصمه، حق طرفین در انتخاب روش‌ها و ابزارهای جنگی محدود است و در ماده (۲-۳۵)، منع ایراد درد و رنج غیرضروری ذکر شده است. استفاده از بسیاری از تسلیحاتی که منجر به آسیب و صدمه غیرضروری می‌شوند، در برخی از کنوانسیون‌های خاص بین‌المللی منع شده است که از آن جمله می‌توان به سلاح‌های انهدام فراگیر مانند سلاح‌های شیمیایی، بیولوژیکی و هسته‌ای اشاره کرد (ضیایی بیگدلی، ۱۳۹۲: ۲۱۱). همچنین استفاده از برخی سلاح‌های متعارف مانند سلاح‌های آتش زاه، سلاح‌های لیزری، مین‌های زمینی، بمب‌های خوشه‌ای به موجب قواعد حقوق بین‌الملل محدود شده است (See: UN Office of Disarmament Affairs, n.d.). گزارش‌های دریافتی مبین آن است که ائتلاف سعودی تحت هدایت عربستان، از مارس ۲۰۱۵ تا فوریه ۲۰۱۷ از سلاح‌های خوشه‌ای استفاده کرده‌اند. البته گمانه‌زنی‌هایی مبنی بر استفاده از این سلاح‌ها پس از سال ۲۰۱۷ نیز مطرح گشته است (Cluster Munition Coalition, n.d).

۲-۶. ممانعت از آسیب به کمک‌های بشردوستانه

ماده (۵۴) پروتکل اول و ماده (۱۴) پروتکل دوم طرفین مخاصمه را از به کارگیری شیوه‌هایی که به وسایل لازم برای حیات جمعیت غیرنظامی آسیب وارد نماید، منع کرده‌اند. همچنین ممانعت از دسترسی جمعیت غیرنظامی به وسایل اجتناب‌ناپذیر برای حفظ معیشت مانند غذا، آب و تجهیزات بهداشتی، ناقض شماری از حق‌های بشری مانند حق بر حیات، حق بر سلامت، حق بر غذا، حق بر استانداردهای شایسته زندگی و... است و می‌تواند مصداقی از جرایم جنگی و جنایت علیه بشریت را تشکیل دهد. افزون بر این که، حقوق بشردوستانه، دولت‌ها و سازمان‌های بی‌طرف را مجاز به تأمین کمک بشردوستانه در طول مخاصمات مسلحانه دانسته است، قواعد عرفی این شاخه از حقوق، وظیفه طرفین مخاصمه مبنی بر صدور مجوز برای ارائه اینگونه کمک‌های بشردوستانه را لازم داشته است (Customary IHL Database, n.d: Rule. 55) به گفته سازمان پزشکان بدون مرز، در طول سه سال نخست جنگ یمن، نیروهای ائتلاف به رهبری عربستان، به هواپیماهای این سازمان اجازه ورود به یمن را داشته است و از اعطای کمک به مردمی که به شدت به آن نیازمندند ممانعت کرده‌اند (حشمت، ۱۳۹۷: ۷۹-۷۸). همچنین این کشور با محاصره





بندر حدیده مانع از ارسال کمک‌های بشردوستانه به بخش‌های شمالی یمن شد (the Gaurdian, 2017).

۳. ظرفیت‌های قوه قضاییه جمهوری اسلامی ایران در حمایت از قربانیان

جنگ همواره با درد و رنج همراه است و اگرچه قواعد حقوق بشردوستانه با هدف کاهش این درد و رنج شکل گرفته است و طرفین جنگ را ملزم به رعایت اصول و رفتارهای خاصی دانسته‌اند اما نمی‌توان صرف وجود قواعد را متضمن اجرای کامل آنها دانست. زیرا در هر نظام حقوقی اشخاصی هستند که سر تعظیم در برابر قانون فرود نمی‌آورند. در نظر گرفتن ضمانت اجرا و ایجاد محاکم قضایی و شبه قضایی نیز بر مبنای همین واقعیت استوار است. در نظام عرضی حقوق بین‌الملل نیز با وجود آنکه ضمانت اجرا ضعیف بوده و محاکم بین‌المللی بدون رضایت دولت‌های اطراف دعوا از صلاحیت رسیدگی به دعاوی برخوردار نیستند، ولی در زمینه نقض قواعد حقوق بشر و بشردوستانه پیشرفت‌های شگرفی حاصل گشته است. براساس اسناد بین‌المللی، به ویژه ماده (۸۵) پروتکل اول الحاقی (۱۹۷۷) به کنوانسیون‌های ژنو ۱۹۴۹ و نیز ماده (۸) اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری نقض فاحش قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه، مصداق جنایت جنگی است (Protocol I, 1977, Art. 85 (5); Rome Statute of the International Criminal Court, 1998, Art. 8). این دسته از جرایم، در زمره شدیدترین جرایم بین‌المللی هستند و حقوق بین‌الملل کیفری با هدف مبارزه با بی‌کیفرمانی عاملان این جنایات، سازوکارهای خاصی را برای تعقیب و محاکمه آنها اندیشیده است که از جمله مهم‌ترین آنها «اصل صلاحیت کیفری جهانی»^۱ است. این نوع صلاحیت، به محاکم داخلی کلیه کشورها این امکان را می‌دهد که صرف نظر از تابعیت مرتکبان و بزه‌دیدگان این جرایم و محل ارتکاب جرم و حتی زمانی که جرم علیه منافع کشور نباشد، به تعقیب و محاکمه عاملان جنایات بین‌المللی پردازند (فروغی، ۱۳۸۸: ۲۱).





از آنجا که جنایات صورت گرفته در یمن از سوی کشورهای عضو ائتلاف عربی، نمونه بارزی از اینگونه جنایات مشمول صلاحیت کیفری جهانی هستند، مطالعه نقش و ظرفیت‌های قوه قضاییه جمهوری اسلامی ایران در احقاق حقوق مردم ستمدیده یمن ضرورت دارد. به این منظور، در این قسمت از پژوهش حاضر نخست به بیان مبانی قانونی لزوم حمایت از مسلمانان و مستضعفان جهان در نظام حقوقی ایران پرداخته و سپس ظرفیت‌ها و چالش‌های قوه قضاییه در راستای احقاق حقوق مردم یمن را مورد بحث قرار داده است.

۳-۱. مبانی قانونی لزوم حمایت از مسلمانان و مستضعفان جهان در نظام حقوقی ایران

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، به عنوان مهم‌ترین سند حقوقی-سیاسی کشور، مبانی توجیهی ضرورت اقدام لازم در حمایت از مسلمانان سایر کشورها را مقرر می‌دارد. چنان‌که در بخش اصول کلی و به موجب اصل (۱۱)، همه مسلمانان را یک امت دانسته و دولت جمهوری اسلامی را موظف نموده است سیاست کلی خود را بر پایه ائتلاف و اتحاد ملل اسلامی قرار دهد و کوشش به عمل آورد تا وحدت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جهان اسلام را تحقق بخشد. همچنین بند (۱۶) اصل سوم این قانون، تنظیم سیاست خارجی کشور را بر اساس معیارهای اسلام، تعهد برادرانه نسبت به همه مسلمانان و حمایت بی دریغ از مستضعفان جهان قرار داده است. در ادامه، اصل (۱۵۲) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که یکی از اصول تعیین‌کننده خطوط کلی سیاست خارجی کشور است، مقرر می‌دارد: «سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر اساس نفی هر گونه سلطه‌جویی و سلطه‌پذیری، حفظ استقلال همه جانبه و تمامیت ارضی کشور، دفاع از حقوق همه مسلمانان و عدم تعهد در برابر قدرت‌های سلطه‌گر و روابط صلح‌آمیز متقابل با دول غیر محارب استوار است». همچنین اصل (۱۵۴) این قانون، سعادت انسان در کل جامعه بشری را آرمان نظام متعالی جمهوری اسلامی ایران می‌داند و استقلال و آزادی و حکومت حق و عدل را حق همه مردم جهان می‌شناسد. بنابراین نظام جمهوری اسلامی ایران در عین خودداری از مداخله در امور داخلی کشورهای دیگر، از مبارزه حق طلبانه مستضعفین در





برابر مستکبرین در هر نقطه از جهان حمایت می کند (قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۵۸ اصلاحی ۱۳۶۸: اصول ۳ (بند ۱۶)، ۱۱، ۱۵۲ و ۱۵۴).

بدیهی است با توجه به دایره شمول گسترده «مستضعفان جهان» می توان قائل به این بود که جمهوری اسلامی ایران، در حمایت از مردم مظلوم و ستمدیده به حکم وظیفه دینی و انسانی، محدود به مرزهای سرزمینی کشورها نیست. نیز با تأمل در اصول پیش گفته، این موضوع قابل درک است که مبانی نظام جمهوری اسلامی ایران با اصول حقوق بین الملل و به ویژه حقوق بین الملل کیفری مبنی بر عام الشمول بودن تعهدات حقوق بشری، دکترین مسئولیت حمایت و نیز تعهد همه کشورها در مبارزه با بی کیفرمانی جنایات بین المللی تطابق دارد. به این ترتیب، قوه قضاییه نیز به عنوان یکی از ارکان حاکمیتی کشور، باید در راستای اجرایی ساختن اصول مذکور اقدامات لازم را به عمل آورد.

به یقین، امروزه وضعیتی که در یمن به وجود آمده و ظلم و ستم جانکاهی که بر مردم مظلوم این کشور می رود، دولت و ملت بزرگ ایران را بر آن می دارد تا در مقام عمل، به مسئولیتی که اصول یادشده قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران براساس آموزه های متعالی اسلام بر عهده آن ها نهاده است بر آیند. در این راستا، قوه قضاییه می تواند با استناد به اصل صلاحیت جهانی براساس موازین حقوق جزای بین الملل و با بهره گیری از ظرفیت هایی که قوانین داخلی در اختیار آن قرار داده است، در جهت حمایت از قربانیان این فجایع و مقابله با بی کیفرمانی عاملان آن قیام و اقدام کند و با شناسایی و غلبه بر چالش های احتمالی موجود در این مسیر، راه را برای ایفای این وظیفه اساسی اش هموار سازد.

۳-۲. قوه قضاییه و احقاق حقوق قربانیان جنگ یمن: ظرفیت ها و چالش ها

نقض قواعد حقوق بشر و بشردوستانه در جریان جنگ یمن توسط دولت های مشارکت کننده در ائتلاف تحت رهبری عربستان، هم می تواند متضمن مسئولیت بین المللی کیفری مقامات و فرماندهان نظامی باشد و هم مسئولیت بین المللی دولت را سبب شود. از این رو شایسته است ظرفیت های قوه قضاییه در طرح هر دو نوع مسئولیت مورد ارزیابی قرار گیرد.





در زمینه طرح مسئولیت بین المللی کیفری، یکی از طرق کمک و مساعدت به مسلمانان و مستضعفان جهان، کاربست روش های حقوقی - قضایی است. نظر به آنکه اغلب اقدامات صورت گرفته در یمن از سوی کشورهای عضو ائتلاف به رهبری عربستان، مصادیقی از جنایات بین المللی تحت شمول صلاحیت جهانی را تشکیل می دهد، کشور ایران می تواند با اعمال اصل صلاحیت جهانی که به طور ضمنی در ماده (۹) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ شناسایی شده است. عاملان این جنایات را صرف نظر از تابعیت مرتکب یا مجنی علیه یا قطع نظر از سرزمین محل وقوع جرم، محاکمه نماید. اما با توجه به نص این ماده، اعمال حکم ماده (۹) قانون مجازات اسلامی با چالش هایی مواجه است. از جمله آنکه ماده (۹) جرایمی را در بر می گیرد که به موجب قانون خاص یا عهدنامه ها و مقررات بین المللی جرم - انگاری شده باشد و مرتکب در ایران یافت شود (قانون مجازات اسلامی، ۱۳۹۲: ماده ۹).

در شرایط کنونی، به دلیل عدم پذیرش اساسنامه دیوان بین المللی کیفری، ابهاماتی پیرامون قلمروی شمول این ماده نسبت به امکان اعمال اصل صلاحیت جهانی در پرتو استناد به موازین عرفی بین المللی وجود دارد (برای مطالعه بیشتر ر. ک. به: رستمی، ۱۳۹۸: ۱۵۶-۱۳۷)، اما در مواردی که این جنایات به موجب کنوانسیون های بین المللی مورد پذیرش قرار گرفته است، برای نمونه، در کنوانسیون منع و مجازات جرم نسل زدایی (۱۹۴۸)، امکان اعمال صلاحیت جهانی توسط محاکم قضایی ایران وجود دارد. این مهم، یعنی اعمال صلاحیت جهانی توسط دادگاه های داخلی ایران مستلزم تصویب قانونی خاص برای حمایت از قربانیان جنایات بین المللی، به ویژه جنایات جنگی و جنایات علیه بشریت است؛ آنگونه که پیش از این، «قانون حمایت از انقلاب اسلامی مردم فلسطین» در سال ۱۳۶۹ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است. هر چند نقیصه مهم آن قانون، سکوت در رابطه با نقش قوه قضاییه در حمایت حقوقی از مردم مظلوم فلسطین است. شایان گفتن است که نگاه محض سیاسی و بی توجهی به ابعاد حقوقی مسائل بین المللی یکی از چالش های عمده اقدامات جمهوری اسلامی ایران در عرصه بین المللی است؛ در حالی که اگر دولت جمهوری اسلامی ایران از حقوق بین الملل به عنوان یک ابزار در عرصه دیپلماسی استفاده کند، آثار بهتر و بیشتری به بار خواهد آورد.





پس از این قانون، در رابطه با مسأله فلسطین، قوانینی وضع شده که در عرصه عدالت-خواهی بین‌المللی رویکردی نوین اتخاذ نموده است. از جمله «قانون الزام دولت به حمایت از مردم مظلوم فلسطین» در سال ۱۳۸۷ و «قانون مقابله با اقدامات خصمانه رژیم صهیونیستی علیه صلح و امنیت» در سال ۱۳۹۹. در ماده (۳) قانون نخست، مقرر گشته که «براساس قواعد حقوق بین‌الملل، جنایات انجام شده در غزه، از مصادیق بارز جنایت علیه بشریت و نسل‌کشی می‌باشد. دولت موظف است از طریق مجامع بین‌المللی از جمله شورای امنیت سازمان ملل متحد، موضوع محاکمه سران رژیم اشغالگر قدس را در دیوان بین‌المللی کیفری (ICC) و محاکم داخلی کشور به عنوان جنایتکار علیه بشریت و عاملان نسل‌کشی پیگیری نماید» (قانون الزام دولت به حمایت از مردم مظلوم فلسطین، ۱۳۸۷: ماده ۳). همچنین قانون مصوب سال ۱۳۹۹ در ماده (۱۱)، دادستان کل را ملزم می‌سازد با همکاری وزارت امور خارجه و مرکز حقوقی بین‌المللی به طرح شکایت، محاکمه و اجرای مجازات علیه سران رژیم صهیونیستی در محاکم ذی‌صلاح داخلی، خارجی و دادگاه‌ها و دیوان بین‌المللی اقدام نمایند (قانون مقابله با اقدامات خصمانه رژیم صهیونیستی علیه صلح و امنیت، ۱۳۹۹: ماده ۱۱). به این ترتیب، اگرچه جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون‌های ژنو ۱۹۴۹ و برخی دیگر از اسناد مربوط به حقوق بشردوستانه پیوسته است، اما در باب جرم‌انگاری و تعیین مجازات ارتکاب این جرایم و نیز اعطای صلاحیت رسیدگی به محاکم قضایی ایران به غیر از محدود قوانین خاص با دایره شمول محدود، قوانینی در نظام حقوقی ایران موجود نیست و لازم است معاونت حقوقی قوه قضاییه با همکاری قوای مجریه و مقننه در مسیر تصویب قانونی عام در این زمینه یا قانونی خاص در حمایت از مردم ستمدیده یمن و مجازات جنایتکاران بین‌المللی گام بردارند.

چالش دیگری که بر سر اعمال اصل صلاحیت جهانی توسط محاکم ملی جمهوری اسلامی ایران وجود دارد آن است که ماده (۹) قانون مجازات اسلامی، در شرایطی اعمال می‌شود که متهم در ایران یافت شود. به عبارت دیگر یکی از موضوعات مسأله برانگیز در این زمینه آن است که آیا جمهوری اسلامی ایران امحاکنه غیابی جنایتکاران بین‌المللی را منع کرده است؟ مطالعات صورت گرفته نشان می‌دهد که اگرچه هیچ عرف بین‌المللی،





اعمال صلاحیت جهانی غیابی را نپذیرفته است اما هیچ قاعده عرفی در ممنوعیت آن نیز شکل نگرفته است (ضیایی و حکیمی ها، ۱۳۹۵: ۱۰۰). با این حال، برخی اسناد بین‌المللی مانند کنوانسیون منع شکنجه مورخ ۱۹۸۴ و یا قوانین داخلی برخی کشورها از جمله جمهوری اسلامی ایران، بر این نکته تأکید دارند که زمانی صلاحیت جهانی اعمال می‌شود که متهم در سرزمین دولت مقرر دادگاه یافت شود (Convention against Torture and Other Cruel, Inhuman or Degrading Treatment or Punishment, 1984: Art. (2)؛ (قانون مجازات اسلامی، ۱۳۹۲: ماده ۹). به نظر می‌رسد حضور فیزیکی متهم در سرزمین کشور مقرر دادگاه امری متفاوت با لزوم حضور متهم نزد دادگاه باشد؛ لذا، مطابق با ماده (۹) قانون مجازات اسلامی، قدر متیقن در امکان اعمال صلاحیت جهانی آن است که متهم در ایران حضور فیزیکی داشته باشد ولو آنکه هنوز دستگیر نشده باشد (ضیایی و حکیمی ها، ۱۳۹۵: ۱۰۱).

نکته مهم دیگر در اعمال صلاحیت جهانی توسط محاکم قضایی ایران، مصونیت قضایی سران کشورها، سران دولت‌ها، وزرای امور خارجه و نظامیان است. رأی معروف دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه کنگو علیه بلژیک (۲۰۰۲) مؤید آن است که مصونیت قضایی این اشخاص، حتی به استناد ارتکاب جنایات بین‌المللی قابل رفع نیست (ICJ, 2002: para.58). اما براساس تحولات جدید حقوق بین‌الملل، به ویژه بر مبنای کار کمیسیون حقوق بین‌الملل در موضوع مصونیت مقامات کشورها از صلاحیت کیفری خارجی، پیش‌نویس ماده (۷) این موضوع، مقرر می‌دارد که مصونیت مقامات خارجی، در فرض ارتکاب جنایات بین‌المللی یعنی نسل‌زدایی، جرایم علیه بشریت، جرایم جنگی، جرم تبعیض نژادی، شکنجه و ناپدیدشدگی اجباری اعمال نمی‌شود: (A/CN.4/L.893, 2017: Draft Art. 7). همچنین، دیوان بین‌المللی دادگستری در سال ۲۰۱۲ در قضیه حسین هابره، با ملزم ساختن سنگال به محاکمه بدون تأخیر رئیس‌جمهور سابق چاد: (ICJ, 2012: para.122)، به طور ضمنی، امکان تعقیب کیفری سران سابق دولت‌ها را برای محاکم ملی کشورها فراهم ساخت. از آنچه گفته شد این نتیجه حاصل می‌آید که حقوق بین‌الملل در حال حرکت به سمت و سوی است که مصونیت مقامات دولتی را در فرض ارتکاب





جنایات بین‌المللی مرتفع سازد و از این رو، اعمال اصل صلاحیت جهانی را تسهیل نماید. بنابراین شایسته است جمهوری اسلامی ایران، از طریق مشورت با متخصصان حقوقی-سیاسی، در این زمینه موضعی را اتخاذ نماید که مطابق با منافع ملی کشور باشد و بتواند قوه قضاییه را در اعمال وظیفه حمایت از ملت‌های مظلوم و مستضعفان جهان مندرج در قانون اساسی، یاری رساند.

پس از به رسمیت شناختن صلاحیت قانونی و قضایی، گام بعدی اقدام در زمینه پیگیری و محاکمه جنایتکاران بین‌المللی و از جمله جنایات ارتکاب یافته در غرب آسیا، ایجاد ساختارهای قضایی مناسب و از جمله اختصاص شعبی به جنایات بین‌المللی و نیز تربیت حقوقدانان و قضات متخصص در حوزه‌های حقوق بین‌الملل بشردوستانه و حقوق بین‌الملل کیفری است. این مهم از طریق برگزاری کارگاه‌های آموزشی به قضات و مشاوران حقوقی و نیز تأسیس گرایش‌های جدید مانند حقوق بین‌الملل بشردوستانه و حقوق بین‌الملل کیفری در دانشکده‌های حقوق کشور حاصل می‌آید. گفتنی است طرح تشکیل دادگاه تخصصی برای رسیدگی به جنایات جنگی در سال ۱۳۸۳ در مجلس شورای اسلامی اعلام وصول شد اما همچنان این طرح روند قانونی شدن را طی نکرده است (طرح تشکیل دادگاه رسیدگی به جنایات جنایتکاران جنگی، تاریخ اعلام وصول: ۱۳۸۳). پیش از آن نیز، طرح نحوه رسیدگی به شکایات جنایات نسل‌کشی و ضدبشریت و تعدیات ناشی از نژادپرستی در سال ۱۳۸۱، به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید که در ماده (۱) آن به قوه قضاییه این اجازه داده شد که شعبه یا شعبی از دادگاه‌های عمومی را برای رسیدگی به شکایات مربوط به جنایات نسل‌کشی و تعدیات ناشی از نژادپرستی و ضدبشری اختصاص دهد (طرح نحوه رسیدگی به شکایات جنایات نسل‌کشی و ضد بشریت و تعدیات ناشی از نژادپرستی، ۱۳۸۱: ماده ۱). این مصوبه پس از طرح در شورای نگهبان با ایراد ابهام از سوی این شورا مواجه شد که به دلیل اصرار مجلس بر مصوبه قبلی خود به مجمع تشخیص مصلحت نظام ارسال شد و همچنان فرآیند قانونی شدن آن طی نشده است (سامانه جامع نظرات شورای نگهبان، بی تا). از این رو، ضروری است با رایزنی‌های میان قوه‌ای، فرآیند تشکیل دادگاهی تخصصی برای رسیدگی به جنایات بین‌المللی تسریع شود.





یکی دیگر از ظرفیت‌هایی که قوه قضاییه می‌تواند با همکاری وزارت امور خارجه، زمینه فعال‌سازی آن را به وجود آورد، همراه ساختن کشورهای منطقه برای تأسیس دادگاهی موردی با تصویب شورای امنیت سازمان ملل برای رسیدگی به جنایات ارتكابی در طول جنگ یمن است. در این راستا می‌توان از ظرفیت مجمع عمومی نیز برای ارائه پیشنهاد در خصوص تشکیل یک دادگاه موردی استفاده کرد. یکی از چالش‌های اصلی در مورد پیشنهاد اخیر، یعنی تأسیس دادگاهی بین‌المللی، علاوه بر مسأله چگونگی همراه ساختن دولت‌ها برای اتخاذ تصمیم در این زمینه، به ویژه در شورای امنیت، چالش رضایت دولت میزبان برای برپایی این دادگاه است. خصوصاً آنکه، شرایط کنونی کشور یمن و اختلافات داخلی میان نیروهای متعدد، شرایط را برای تشکیل چنین دادگاهی بسیار سخت کرده است. همچنین سایر کشورهای منطقه نیز یا خود درگیر مسائل داخلی هستند، مانند عراق و سوریه؛ و یا از حیث سیاسی با عربستان سعودی همراه و همگام می‌باشند. گفتنی است وزیر امور خارجه وقت ایران در نامه‌ای به دبیرکل سازمان ملل متحد، طرحی چهار محوری برای ایجاد صلح در یمن ارائه داد. این محورها عبارت بودند از: آتش بس، کمک‌های بشردوستانه، گفتگوی یمنی- یمن و ایجاد دولت فراگیر.¹ اما در این طرح، جای خالی عدالت طلبی کاملاً مشهود است. مترتب بر همین موضوع و با توجه به اینکه کشور یمن، اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری را امضا کرده اما هنوز آن را به تصویب نرسانده است،² یکی دیگر از طرق فعالیت بین‌المللی، پیشنهاد قوه قضاییه به وزارت امور خارجه مبنی بر درخواست از شورای امنیت برای ارجاع وضعیت یمن به دیوان بین‌المللی کیفری است. اگرچه با توجه به واقعیت‌های موجود در جهان و فضای حاکم بر شورای امنیت، اقدام عملی از سوی این شورا در این زمینه دور از انتظار به نظر می‌رسد، با وجود این، می‌توان از طریق دیپلماسی فعال و جلب نظر برخی از کشورهای همسو در منطقه، طرح اقدام برای تأسیس دادگاهی حقوق بشری را بر اساس گفتمان حقوق بشر در اسلام ارائه داد یا در

1 . For more information see: <https://humanrights.eadl.ir/en/News/articleType/ArticleView/articleId/3515>, Visited: 2022.

2. For more information see: https://treaties.un.org/Pages/showDetails.aspx?objid=0800000280025774&clang=_en, visited: 2022.



خصوص جنایات بین‌المللی ارتکاب یافته در حین مخاصمات مسلحانه، طرح تاسیس دادگاهی خاص با صلاحیت کیفری را در منطقه پیشنهاد و پیگیری کرد.

افزون بر این، در بعد مسئولیت بین‌المللی دولت‌های ناقض قواعد حقوق بشر و بشردوستانه، اقدام در سطح بین‌المللی برای محکوم ساختن طرف‌هایی که در جریان این جنگ با نقض قواعد حقوق بشر و بشردوستانه بین‌المللی مرتکب جنایات جنگی و جنایات ضدبشری شده‌اند از موارد ضروری است که می‌تواند توسط ستاد حقوق بشر قوه قضاییه و متکی به گزارش‌های نهادهای ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی غیردولتی و بی‌طرف فعال در حوزه حقوق بشر و امور بشردوستانه، در نهادهایی مانند شورای حقوق بشر از طریق ارائه گزارش‌های مستند به گزارشگران موضوعی یا در طول فرآیند سیستم گزارش‌دهی دوره‌ای پیگیری شود.

در صورتی که اقدامات صورت گرفته در جریان جنگ یمن، بتواند نقض تعهدات عام‌الشمول مانند منع نسل‌زدایی باشد، با توجه به عضویت کشورهای ایران، عربستان و یمن در کنوانسیون پیشگیری و مجازات جنایت نسل‌زدایی (۱۹۴۸) و با الگوبرداری از رویه قضایی دیوان بین‌المللی دادگستری در دعوی گامبیا علیه میانمار (ICJ, 2019)، کشور ایران به استناد ماده (۹) این معاهده که شرط صلاحیت اجباری دیوان بین‌المللی دادگستری را مقرر داشته (Convention on the Prevention and Punishment of the Crime of) (Genocide, 1948, Art. IX)، می‌تواند آغازکننده دعوا علیه دولت عربستان در دیوان بین‌المللی دادگستری باشد. اگرچه طرح دعاوی بین‌المللی در ایران در صلاحیت مرکز امور حقوقی بین‌المللی است اما پیشنهاد طرح دعوا و مطالعات بنیادین آن می‌تواند توسط نهادهای زیرمجموعه قوه قضاییه مانند معاونت امور بین‌الملل و ستاد حقوق بشر و یا پژوهشگاه قوه قضاییه صورت گیرد.

نتیجه‌گیری

از مارس ۲۰۱۵ تا کنون، کشورهای عضو ائتلاف تحت رهبری عربستان سعودی، یمن را به عرصه نقض فاحش قواعد حقوق بشر و بشردوستانه بدل ساخته‌اند. به طوری که





قربانیان اصلی این جنگ، غیرنظامیان، و به ویژه زنان و کودکان یمنی هستند. هدف اصلی و اولیه حقوق بشردوستانه، کاهش آلام ناشی از جنگ برای اشخاصی است که به طور مستقیم در جریان منازعات مشارکتی ندارند؛ در حالی که بمباران هوایی یمن توسط کشورهای عضو ائتلاف علاوه بر اینکه بدون رعایت شروط احتیاط، تفکیک و تناسب، به مناطق غیرنظامی نظیر بیمارستان‌ها، مدارس و خانه‌های مسکونی آسیب زده و زیرساخت‌های شهری را نابود کرده است، محاصره دریایی و هوایی یمن و ممانعت از ارسال کمک‌های بشردوستانه به مردم یمن، منجر به افزایش آمار تلفات غیرمستقیم ناشی از قحطی و شیوع بیماری‌های واگیرداری مثل وبا گشته است. در نتیجه، سوگمندان باید گفت در جنگ یمن، ابتدایی‌ترین اصول و قواعد بنیادی حقوق بشردوستانه از سوی ائتلاف عربی به رهبری دولت سعودی زیرپا نهاده شده است تا جایی که مردم یمن را با فاجعه بزرگ انسانی روبرو کرده است. جملگی موارد نقض قواعد حقوق بشر و بشردوستانه، می‌توانند مطابق با قواعد حقوق بین‌الملل کیفری، جرایم تحت صلاحیت جهانی، یعنی جنایت جنگی، جنایت علیه بشریت، نسل‌کشی و تجاوز قلمداد شوند. به این ترتیب، کلیه کشورهای عضو کنوانسیون‌های ژنو ۱۹۴۹، اعم از طرف‌های مخاصمه مسلحانه و غیر از آنها به مقتضای تعهد عام مندرج در ماده یک مشترک این کنوانسیون‌ها مبنی بر تعهد به رعایت و تعهد به تضمین رعایت مقررات حقوق بشردوستانه مقرر در این کنوانسیون‌ها، وظیفه دارند هر گونه اقدام ممکن و مقتضی را برای تضمین رعایت این مقررات در هر مخاصمه مسلحانه‌ای به عمل آورند و نیز با موارد نقض این مقررات برخورد لازم و مؤثر از جمله مقابله با بی‌کیفرمانی عاملان نقض‌های شدید و مرتکبان جنایات جنگی، جنایات ضدبشری و جنایت نسل‌کشی را به عمل آورند.

برای جمهوری اسلامی ایران که دفاع از حقوق همه مسلمانان و عدم تعهد در برابر قدرت‌های سلطه‌گر را مبنای عمل در عرصه سیاست خارجی خود دانسته است، این تعهد اهمیت مضاعف می‌یابد. از این رو، جمهوری اسلامی ایران، علاوه بر اینکه لازم است در زمینه اعطای کمک‌های بشردوستانه نهایت تلاش خود را به کارگیرد، باید در راستای فعال‌سازی تدابیر حقوقی حمایت از مردم مظلوم یمن نیز اقداماتی را انجام دهد. از جمله، می‌توان به ارائه گزارش به نهادهای ناظر حقوق بشر از جمله گزارشگران موضوعی حقوق





بشر، تلاش‌های سیاسی و حقوقی برای محکومیت مقامات و فرماندهان عربستان از طریق ایجاد یک دادگاه منطقه‌ای کیفری برای رسیدگی به جنایات آمران و عاملان در جنگ یمن، درخواست از شورای امنیت برای ارجاع وضعیت یمن به دیوان بین‌المللی کیفری و نیز فعال ساختن امکان اعمال صلاحیت جهانی محاکم کیفری ایران از طریق تفسیر قانون مجازات یا وضع قانون داخلی خاص اشاره کرد. ذکر این نکته نیز ضروری می‌نماید که مطابق با ماده یک مشترک کنوانسیون‌های ژنو ۱۹۴۹ علاوه بر همه دول عضو این کنوانسیون‌ها که موظف به تضمین رعایت مقررات حقوق بشردوستانه هستند، همه سازمان‌های بین‌المللی مرتبط نیز وظیفه اقدامات موثر هم در جهت تضمین رعایت موازین حقوق بشردوستانه و هم انجام سریع کمک‌های انسان دوستانه را بر عهده دارند. با توجه به یافته‌های پژوهش، پیشنهادهای ذیل جهت بهره‌گیری از ظرفیت‌های قوه قضاییه در حمایت از قربانیان جنگ یمن ارائه می‌شود:

۱. جرم‌انگاری و وضع مجازات در خصوص جنایات بین‌المللی به خصوص جنایات جنگی از طریق ارائه لوایح قضایی یا مشارکت معاونت حقوقی قوه قضاییه در تدوین لوایح و طرح‌های سایر قوا؛
۲. اختصاص شعبی برای رسیدگی به جنایات بین‌المللی و آموزش موضوعات حقوق بین‌الملل کیفری و حقوق بشردوستانه به قضات و کارآموزان قضایی از طریق ایجاد گرایش حقوق بین‌الملل کیفری و حقوق بین‌الملل بشردوستانه در دانشگاه علوم قضایی و دیگر دانشکده‌های حقوق کشور؛
۳. فعال ساختن ظرفیت معاونت امور بین‌الملل و ستاد حقوق بشر قوه قضاییه برای رصد و مستند ساختن موارد نقض حقوق بشر و بشردوستانه در کشور یمن و اعلام به نهادهای بین‌المللی ناظر بر حقوق بشر و یا ارائه پیشنهاد طرح دعوا علیه کشورهای ناقض حقوق بین‌الملل با توجه به مبانی صلاحیتی در دسترس؛
۴. همکاری با نهادهای مربوطه به ویژه وزارت امور خارجه و شورای عالی امنیت ملی به منظور تهیه و پیگیری طرح تأسیس یک دادگاه منطقه‌ای به منظور مجازات جنایتکاران جنگی.



به امید روزی که در جهان جنگی نباشد و بشر فرصت چشیدن طعم شیرین عدالت و صلح همه جانبه را بیابد.



منابع

۱. جعفری، سید اصغر، ۱۳۹۸ش، «حمله نظامی عربستان به یمن از نگاه حقوق بین-المللی بشردوستانه»، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، دوره ۴۹، ش ۲.
۲. حشمت، فهیمه، ۱۳۹۷ش، «واکاوی اقدامات نظامی ائتلاف به رهبری عربستان در یمن از منظر حقوق بشردوستانه بین‌المللی»، فصلنامه سیاست خارجی، سال ۳۲، ش ۱.
۳. شارق، زهرا سادات، محمدی مطلق، علیرضا، ۱۳۹۵ش، «مسئولیت بین‌المللی کشورهای ائتلاف در مخاصمه یمن در پرتو بین‌المللی شدن مخاصمه»، آفاق امنیت، سال ۹، ش ۳۳.
۴. ضیایی، سید یاسر، حکیمی‌ها، سعید، ۱۳۹۵ش، شرایط حقوقی اعمال صلاحیت جهانی در حقوق بین‌الملل، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، سال ۱۸، ش ۵۳.
۵. ضیائی بیگدلی، محمدرضا، ۱۳۹۲ش، حقوق بین‌الملل بشردوستانه، تهران، کتابخانه گنج دانش، کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، چ ۲.
۶. فروغی، فضل‌الله، ۱۳۸۸ش، «منشأ و ماهیت حقوقی اصل صلاحیت جهانی»، مجله مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز، دوره ۱، ش ۳.
۷. فضائی، مصطفی، ۱۳۹۵ش، «مداخله نظامی در یمن از منظر حقوق بین‌الملل»، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، دوره ۴۶، ش ۱.
۸. کمیته ملی حقوق بشردوستانه، ۱۳۸۵ش، حقوق بین‌الملل بشردوستانه ناظر بر حمایت از افراد در درگیری‌های مسلحانه (مجموعه اسناد ژنو)، کنعانی، محمدطاهر، سیاه رستمی، هاجر، حسین نژاد، کتابیون (تهیه و گردآوری)، تهران، جمعیت هلال احمر جمهوری اسلامی ایران، چ ۲.
۹. ممتاز، جمشید، رنجبریان، امیرحسین، ۱۳۸۷ش، حقوق بین‌الملل بشردوستانه مخاصمه مسلحانه داخلی، تهران، میزان، چ ۳.





۱۰. میراحمدی، منصور، احمدوند، ولی محمد، ۱۳۹۴ش، «هویت و مبانی فکری جنبش انصارالله در یمن»، فصلنامه اندیشه سیاسی در اسلام، دوره ۲، ش ۲.
۱۱. سامانه جامع نظرات شورای نگهبان، بی تا، «طرح نحوه رسیدگی به شکایات جنایات نسل کشی و ضد بشریت و تعدیات ناشی از نژادپرستی»، ۱۴۰۱:

<http://nazarat.shorarc.ir/Forms/frmShenasname.aspx?id=Npt04UMSz4Y=&TN=17tLyh>
yOobj0SooAFUE3m68PnpG7MrUN، تاریخ بازیابی: فروردین ۱۴۰۱.

12. ICRC, (2019), “War in Yemen”, <https://www.icrc.org/en/where-we-work/middle-east/yemen/war-yemen>.
13. Amnesty International, n.d. “Yemen 2021”, (2022): <https://www.amnesty.org/en/location/middle-east-and-north-africa/yemen/report-yemen/>.
14. Cluster Munition Coalition, n.d. “Use of Cluster Bombs in Yemen”: <http://www.stopclustermunitions.org/en-gb/cluster-bombs/use-of-cluster-bombs/in-yemen.aspx>.
15. Council on Foreign Relations, (2022), “Global Conflict Tracker”, (2022): <https://www.cfr.org/global-conflict-tracker/conflict/war-yemen>.
16. Danish Refugee Council, “The Yemen Crisis”, 2021, <https://drc.ngo/it-matters/feature-stories/2021/3/the-yemen-crisis/>.
17. ICRC (1), n.d. “Military Necessity”, (2022): <https://casebook.icrc.org/glossary/military-necessity>.
18. ICRC (2), n.d. “Yemen, Humanitarian Impact of the Conflict”, (2022): <https://casebook.icrc.org/case-study/yemen-humanitarian-impact-conflict>.
19. IHL Database, n.d. “Customary IHL”, (2022): https://ihl-databases.icrc.org/customary-ihl/eng/docs/v1_rul_rule1.
20. International Rescue Committee, (2022), “Crisis in Yemen: Protracted conflict pushes Yemenis deeper into need”, 2022: <https://www.rescue.org/article/crisis-yemen-protracted-conflict-pushes-yemenis-deeper-need#:~:text=%E2%80%9CYemen%20is%20still%20one%20of,and%20development%20manager%20Ebtihal%20Ghanem>.
21. Meron, Theodor, (1987), “The Geneva Conventions as Customary Law”, The American Journal of International Law, Vol. 81, No. 2.
22. One World Nations Online, n.d, “History of Yemen”, (2022), <https://www.nationsonline.org/oneworld/History/Yemen-history.htm>.
23. Oxfam International, (2022), “Escalating death, destitution and destruction as Yemeni civilians left to bear brunt of 7-year war: Oxfam”, (2022): <https://www.oxfam.org/en/press-releases/escalating-death-destitution-and-destruction-yemeni-civilians-left-bear-brunt-7-year>.





24. Qureshi, Waseem Ahmad, (2020), "The Crisis in Yemen: Armed Conflict and International Law", North Carolin Journal of International Law, Vol. 45, No. 1.
25. Relief Web, (2021), "Yemen: A Quarter of All Civilian Casualties Are Children", (2022): <https://reliefweb.int/report/yemen/yemen-quarter-all-civilian-casualties-are-children>.
26. Reuters, (2015), "UPDATE 4-Yemen president quits, throwing country deeper into chaos", 2022: <https://www.reuters.com/article/yemen-security-idUSL6N0V12MQ20150122>.
27. Robinson, Kali, (2022), "Yemen's Tragedy: War, Stalemate, and Suffering", Council on Foreign Relations, 2022: <https://www.cfr.org/backgrounder/yemen-crisis>.
28. The Guardian, (2017), "Saudi Arabia still Barring Aid to Yemen despite Pledge to Lift Siege", 2022: <https://www.theguardian.com/world/2017/nov/24/saudi-arabia-continues-to-block-humanitarian-aid-to-yemen>.
29. The Lawyer Portal, (2020), "How to Discuss the Yemen Crisis in an International Law Context", 2022: <https://www.thelawyerportal.com/blog/how-to-discuss-the-yemen-crisis-in-an-international-law-context/>.
30. UN NEWS, (2021), "UN Humanitarian Office Puts Yemen War Dead at 233,000, Mostly from 'Indirect Causes'", 2022: <https://news.un.org/en/story/2020/12/1078972>.
31. UN Office of Disarmament Affairs, n.d. "The Convention on Certain Conventional Weapons", (2022): <https://www.un.org/disarmament/the-convention-on-certain-conventional-weapons/>.
32. 69th Session of the International Law Commission, (2017). UN Doc. A/CN.4/L.893.
33. Convention (I) for the Amelioration of the Condition of the Wounded and Sick in Armed Forces in the Field. Geneva, 12 August (1949).
34. Convention (II) for the Amelioration of the Condition of Wounded, Sick and Shipwrecked Members of Armed Forces at Sea. Geneva, 12 August (1949).
35. Convention (III) relative to the Treatment of Prisoners of War. Geneva, 12 August (1949).
36. Convention (IV) relative to the Protection of Civilian Persons in Time of War. Geneva, 12 August (1949).
37. Convention against Torture and Other Cruel, Inhuman or Degrading Treatment or Punishment, (1984).

38. Convention on the Prevention and Punishment of the Crime of Genocide, (1948).
39. Customary IHL Database, Rule 55, https://ihldatabases.icrc.org/customary-ihl/eng/docs/v1_rul_rule55.
40. Geneva Convention relative to the protection of civilian persons in time of war, (Fourth Geneva Convention), (1949).
41. Human Rights Council, "Situation of human rights in Yemen, Including Violations and Abuses since September (2014)", Annual report of the United Nations High Commissioner for Human Rights and reports of the Office of the High Commissioner and the Secretary-General, 2020, (UN Doc. A/HRC/45/CPR.7).
42. ICJ, Arrest Warrant of 11 April (2000) (Democratic Republic of the Congo v. Belgium), Judgment, I.C.J. Reports (2002).
43. ICJ, Convention on the Prevention and Punishment of the Crime of Genocide (The Gambia v. Myanmar), (2019).
44. ICJ, Questions relating to the Obligation to Prosecute or Extradite (Belgium v. Senegal), Judgment, I.C.J. Reports (2012).
45. ICTY, Prosecutor v. Dusko Tadic a/k/l "Dule", Decision on the Defense Motion for Interlocutory Appeal on Jurisdiction, 2 October (1995).
46. ILC, Draft Articles on Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts, (2001).
47. Protocol Additional to the Geneva Conventions of 12 August (1949), and relating to the Protection of Victims of International Armed Conflicts (Protocol I), 8 June (1977).
48. Protocol Additional to the Geneva Conventions of 12 August (1949), and relating to the Protection of Victims of Non-International Armed Conflicts (Protocol II), 8 June (1977).
49. Rome Statute of the International Criminal Court, (1998).
50. U.N. Sec. Council, Final Rep. of the Panel of Experts on Yemen, U.N. Doc. S/2016/73 (Jan. 26, 2016).
51. U.N. Sec. Council, Final Rep. of the Panel of Experts on Yemen, U.N. Doc. S/2018/193 (Jan. 31, 2018).
52. UN Charter, 1945.
53. UNTS, n.d. "Protocol Additional to the Geneva Conventions of 12 August (1949) and relating to the protection of victims of non-international armed conflicts (Protocol II)", (2022): <https://treaties.un.org/pages/showDetails.aspx?objid=08000002800f3cb8>.

